فهرست

[پیشگفتار 2](#_Toc91310827)

[پیرامون دوره مدرسه پاییزه 2](#_Toc91310828)

[جایگاه حریم شخصی در فقه 3](#_Toc91310829)

[ابعاد حریم شخصی 3](#_Toc91310830)

[بُعد اول؛ ناظر به خود شخص 3](#_Toc91310831)

[بُعد دوم؛ ممنوعیت تجسس 5](#_Toc91310832)

[عناوین فقهی مرتبط با حریم شخصی 6](#_Toc91310833)

[معنای لغوی جسَّ 6](#_Toc91310834)

**بسم الله الرحمن الرحیم**

# پیشگفتار

سلام عرض می‌کنم خدمت عزیزانی که در جلسه حضور پیدا کردند و عرض ادب خدمت عزیزانی که در این چندین جلسه حضور فعالشان باعث شد عرصه فقه تربیت جان بیشتری بگیرد و ما بتوانیم در این عرصه بهتر حرکت کنیم و فعالان بیشتری را شناسایی کنیم.

قبل از ادامه بحث که قرار بود تعریف فقهی اسلامی از حریم شخصی داشته باشیم مقدمتاً درباره این دوره صحبتی داشته باشم.

# پیرامون دوره مدرسه پاییزه

بعضی از عزیزان نسبت به این دوره نگاه تربیتی داشتند و دیدم بعضی از عزیزان گروه را ترک کردند و سؤال کردم گفتند نگاه این را داشتیم که مباحث کاربردی تربیتی گفته بشود.

این خوب است ما در فقه تربیت هم در کتابهایی که الان چاپ می‌شود نگاه ویژه‌ای به فروع و روش‌ها داریم در کتاب جدید مثلاً کتاب فقه تعلم که از اداب تعلم که حقیر محضر آیت الله اعرافی کار کرده‌ام بخشی را توجه داشته‌ام به فروع و روشها، اما آقای محمودیان که بحث تربیت اخلاقی داشتند که اماده چاپ می‌شود یک بخش‌هایی را به عنوان روشهای تربیت اخلاقی آورده‌اند یا در تربیت جنسی و امثالهم سعی می‌کنیم بیاوریم اما دقت داشته باشید که بحث، بحث فقهی است و ما می‌خواهیم در وهله اول نوع ورود فقهی به مسأله را تبیین کنیم و خوب داشته باشیم و عزیزان خوب کار کنند که متوجه باشند خط چه جوری است و ماهیگیری را یاد بگیرند.

ولی اینکه آن مباحث ریز فرهنگی و تربیتی، مگر دوره‌های مفصل‌تری باشد که ما آنجا بتوانیم نگاه‌های ریز تربیتی و فقهی را بیشتر داشته باشیم.

اینکه نکات کلیشه‌ای گفته می‌شود می‌خواهد از کلیات شروع بکند وارد جزییات بشود یک جهت کمبود وقت است و یک جهت این است که قالب فقهی خیلی وقت‌ها اقتضاء می‌کند که مفاهیم کلی را بیان کنید و ادله کلی را بیان کنید و شکل کار را حالت کلیشه‌ای می‌کند اما دقت بفرمایید مسائل وقتی از منظر فقهی بررسی می‌شود خود این بررسی یک جنبه جدید دارد چون خیلی از مسائل در علوم تربیتی بحث شده است مثلاً گفته‌اند روایت فلان، دلالت دارد در تربیت جنسی و امثال آن.

سندشناسی نمی‌شود تزاحمات روایات با همدیگر سنجیده نمی‌شود صرفاً یک تفقهی است در یک مسئله تربیتی و چه آسیب‌هایی بعدا دارد. یک روایت ضعیف را برجسته می‌کنند یک اصل قرار می‌دهند در حالی که در نگاه فقهی این روایت ضعیف است توجه می‌شود سند این روایت چطور است.

یکی از راه کارها نشست‌های فصلی و دو ماه یکبار داشته باشیم. پیشنهاد بدهید.

مثلاً فرض بفرمایید تجربه بسیار خوبی در پژوهش‌های فقهی تربیتی دارد از تجربیات خود بگوید که چطور در پروژه‌هایش زود انجام می‌شود چطور یک موضوعی سریع‌تر به نتیجه رسید.

این جور جلسه را می‌شود داشته باشیم و وقتی وارد شدیم می‌شود جلسات به حالت مناظره‌ای داشته باشیم

دقت داشته باشید که عرصه فقه ابعادش این است که وظیفه مکلفین را اثبات بکند در آن مسئله و طبیعتاً به معنی الاخص آن فقهی که ماثور است و از آن گفته می‌شود آن تفقه کلی که ببیند فلان مسئله در آیات و روایات چه وضعیتی دارد آن را کار نداریم

اما این فقه خاص که وظایف مکلفین را می‌سنجد و دنبالش هست یک مقدار بعد تئوری دارد ولی نکته مهم این است که الان در رساله‌ها نگاه کنید خیلی از مسائل بیان نشده است و در همین‌ها که بیان شده است در خیلی مشکل داریم که درست بیان نشده است.

بحث فقه تربیت استاد اعرافی، خارج فقه تربیت دارند بعضی از عزیزان هم به صورت متفرقه بحث دارند و خود من بحث فقه فرهنگ دارم و در کانال هم گذاشتم و کسانی که می‌خواهند می‌توانند استفاده کنند.

# جایگاه حریم شخصی در فقه

بحث ما در مورد تزاحم حریم شخصی با وظایف حاکمیتی بود به این بحث رسیدیم که تعریف اسلام و تعریف درون دینی و فقهی از حریم شخصی چیست؟

مگر این مسئله حریم شخصی در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلّم نبوده است یعنی در اسلام نیست؟

ما گفتیم این عنوان حریم شخصی یک عنوان وارداتی است ولی مفهوم حریم شخصی این که یک نفر حریمی داشته باشد این در فقه هست یا نیست؟

در مورد حریم شخصی یک مسئله بسیار مهم تعریف فقهی و درون دینی از حریم شخصی است.

# ابعاد حریم شخصی

## بُعد اول؛ ناظر به خود شخص

حریم شخصی دارای دو بعد است یک حریم شخصی برای خود فرد که به عنوان یک حق باشد مثلاً من بگویم من حق دارم که شما را به این حریم راه ندهم و یک بحث این است که برای شما که می‌خواهید وارد حریم من بشوید، می‌تواند همکار باشد، فرزند باشد، همسر باشد و یا در جامعه در پارک باشم.

شما در چه حدی می‌توانید وارد مسائل من بشوید

پس این دو بعد است که هر دو بعد باید توجه بشود و در خیلی از اوقات بیشتر در بعدی که افراد بیرونی چقدر می‌توانند در شما ورود داشته باشند در فکرتان، در عقیدتان، در رفتار و پوششتان، بحث شده است

در حالی که حریم شخصی دو بعد دارد بعد اول اینکه خود من چه حق و حقوقی دارم مثلاً اگر به دادگاهی می‌خواهم مراجعه کنم من چه مسائلی را می‌توانم حریم شخصی بدانم، مطلب دوم این که آن فرد مثلاً شما در ورود به حریم من در چه حد و حدودی می‌توانید وارد بشوید.

اول این قسمت را بحث می‌کنیم که حریم شخصی برای خود فرد است دلیل اصلی اثبات کننده حریم شخصی برای خود فرد، این را گفتم که خود کلمه حریم شخصی یک عنوان درون دینی نیست یک مفهوم مشترک دارد که آن حریم و آن حرزی که افراد دارند حال در بعد حرز جسمانی، مادی و معنوی، فکری، روحی و روانی در همه اینها باید بحث بشود

بُعد اول ادله‌ای که در مورد حریم را برای خود من اثبات می‌کند

مهمترین دلیل این قاعده الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم هست عین این در روایات نیست اگر هم باشد روایت ضعیفی است این عنوان فقهی است که اصطیاد شده و برداشت شده از عناوین دیگری است. یک قاعده فقهی است «الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم» مردم بر اموال و نفسشان تسلط دارند شما یک وسیله خود را می‌خواهید بفروشید شما می‌توانید تعریف کنید قیمت آن را، این اصل اولی است یا قاعده است الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم بر پایه این قاعده فقهی، این قاعده فقهی فقط در مورد اموال به معنای اموال بیرونی لب تاب من نیست علی اموالهم و انفسهم. ما اختیار نفس و جان خود را داریم.

یک سری در روایات تخصیص خورده است به این معنا که شما حق ندارید بتوانید آن. . مثلاً ما حق نداریم خود کشی یکنیم پس الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم یک دایره معنایی دارد در روایات و ادله فقهی بعضی از این دایره را جدا کرده است و گفته است در ظاهر مال شما هست اما شما مالکیت ندارید و آن را جدا کرده است و ورای آن دایره‌ای می‌شود که شما مالک هستید.

اصلی‌ترین دلیل برای خود شما حریم شخصی بخواهد یک حریمی را برای شما به وجود بیاورد یک حرزی را بخواهد به وجود بیاورد آن داخل مال شماست آن قاعده الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم که یک قاعده‌ای است که باید چند جلسه راجع به این قاعده صحبت کنیم

این انفسهم اعمال، رفتارهای فکری شامل می‌شود به جز آن جاهایی که ادله تخصیص می‌زند مثلاً روایت داریم که حرمت و احترام را شما مالک نیستید حق ندارید کاری کنید که احترام شما تحت شعاع قرار بگیرد شما بی‌احترام بشوید در جامعه کار زشتی انجام بدهید یا کاری را انجام بدهید که شأن شما از بین برود شما مالک شأن خود نیستید این روایت تخصیص می‌زند. یعنی موضوعا خارج می‌کند و احتمال دارد در بعضی موارد حکومت باشد چون حکومت ورود قهارانه شارع هست که وارد می‌شود می‌گوید اکرم العلما، بعدی می‌گوید المتقی من العلماء مثلاً اگر کسی متقی بود هم جزو علماست. می‌گوید به چه دلیل؟ می‌گوید شارع آن دایره موضوعی را وسیع می‌کند با حق حاکمیت و مولویت خود.

یا به نحو دیگر می‌گویند ورود حکومتی، یا تخصیصاً یا تخصصاً یک بحثی را تخصیص می‌زند می‌گوید این بحث نیست یا از اول بوده است و جزو موضوع است

اینها ورودهایی هست که یک موضوعی را دایره‌اش را تنگ می‌کند کوچک می‌کند یا دایره‌اش را وسیع می‌کند حالا در مورد حریم شخصی الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم یک جایی است که اینجا ملک تو نیست که بتوانی به آن وارد بشوی، می‌گوییم خودکشی، شما نمی‌توانید این نوع تصرف را انجام بدهید.

پس یک چیز مفصلی دارد که الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم ولی اجمالا می‌دانیم که این دلیل می‌شود برای اثبات حریم شخصی برای خودش.

اما بُعد بسیار مهم حریم شخصی آن بعدی است که دیگران در چه حد می‌توانند وارد حریم شما بشوند و مهمترین مسئله هم اینجاست

حریم شخصی مثل خیلی از مسائل دیگر که مسائل جدیدی هست به همین عنوان در ادله ندارد اما عناوین دیگری هست که این عنوان را اثبات می‌کند

کسانی که می‌خواهند پایان نامه بنویسند یا مقاله بنویسند با عناوین جدیدی مواجه می‌شوند بعد می‌گویند در رابطه با این عنوان ما اصلا روایت نداریم می‌شود گفت هیچ عنوان جدیدی نیست که راجع به آن روایت نداشته باشیم به چه صورت؟ به این صورت که باید آن عنوان را تجزیه و ترکیب مفهومی کنید.

همان که در غرب مطرح شده است گفتیم حریم شخصی یک حرز و یک محدوده‌ای است که دیگران وارد بشوند یا نشود این مفهومی است که مفهوم واژه غربی نیست یک مسئله است مسئله بشری است و زمان و مکان ندارد و فقه باید جواب بدهد و جواب داده است

چه عناوینی ناظر به این بحث است

چند عنوان را در فقه می‌بینیم، وارد بعد دوم شدیم یعنی بعدی که دیگران وارد حریم شما بشوند یا نشوند. این بعد دوم ادله‌ای دارد که باید مورد توجه قرار بگیرد به دلالت التزامی آن ادله می‌تواند حریم را برای شخص اثبات کند.

## بُعد دوم؛ ممنوعیت تجسس

پس دو بعد داریم بعد اول؛ حریم شخصی ناظر به خود شخص است. بعد دوم؛ دیگران است.

دیگران که می‌خواهند وارد حریم من بشوند یا نشوند چند عنوان فقهی داریم که مجموعاً یک حریمی را برای افراد اثبات می‌کنند.

یک عنوان ممنوعیت تجسس است. اصلی‌ترین عنوان هم این است می‌گوییم من وارد حریم دیگری نشوم یعنی چه؟ در فقه ما عنوانی داریم به نام تجسس، یکی از عناوین است پس وقتی عنوانی را می‌خواهید راجع به آن پایان نامه بنویسید سریع نگویید این عنوان هست یا نیست، ببینید در آن مفهوم، نزدیک‌ترین عنوان به آن مفهوم چیست.

## عناوین فقهی مرتبط با حریم شخصی

ما چند عنوان در ادله داریم که اینها نزدیک‌ترین حالت را دارند

۱- ممنوعیت تجسس، یکی از عناوینی هست که به نوعی بر این دلالت دارد.

۲- ممنوعیت عیب جویی مخفیانه

۳- ممنوعیت استراق سمع و بصر (مخفیانه یکی را رصد کنی)

۴- ممنوعیت ورود به منازل.

اینها عناوینی هست که در فقه وجود دارد در ادله هست و الا خود حریم شخصی کلمه‌ای نیست که در ادله باشد.

راجع به این صحبت می‌کنیم که نسبت به فرزند و دوست و آشنا می‌توانید وارد بشوید عنوان رعایت حریم شخصی را می‌گوییم.

رعایت حریم شخصی دیگران اصطیاد یافته و برداشت شده از کدام عناوین هست.

می‌گوییم یکی ممنوعیت تجسس و تفتیش است که اصلی‌ترین دلیل هم آیه دوازده سوره حجرات است ﴿**يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثيراً مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لا تَجَسَّسُوا وَ لا يَغْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضاً**[[1]](#footnote-1)﴾ و لا تجسسوا آن بحث ماست. لا تجسس

### معنای لغوی جسَّ

اول باید بررسی بشود که جسَّ به چه معناست، جسَّ به معنای لمس ظریفانه یک چیز است جَسَسَ، اینکه با جاسوس می‌گویند جاسوس به خاطر این است که خیلی ظریف و مخفیانه یک چیزی را لمس و درک کردن و حس کردن و پیدا کردن

پس جسس یعنی لمس و درک ظریفانه شئ است.

در بحث تحقیقات اول باید العین را نگاه کنید بعضی از کتب لغت وقتی می‌خواهند بحث کنند نگاه‌ها و برداشت‌هایشان را اورده‌اند در حالی که ما در بحث فقهی باید دنبال این باشیم که عصر معصوم آن کلمه چه معنایی داشته است. با توجه به این العین مقدم می‌شود معجم المقاییس مقدم می‌شود ولی آن فرهنگ نامه‌هایی که بعداً آمده است به مرور یک جور استدلال‌های خود را وارد کرده‌اند من توجه هم بیشتر العین و مقاییس است و برای اینکه مفاهیم را بررسی کنم آنجا هم بحث تعرف الشئ بمس اللطیف در معجم المقاییس هم همین را گفته است.

نقطه اصلی این است که شما یک چیزی را به صورت ظریفانه و مخفیانه لمس و درک کنید ﴿**وَ لا تَجَسَّسُوا**﴾ اما این آیه در مورد نوع ورود شما نیست، آیه نمی‌خواهد بگوید شما چیزهایی را که می‌خواهید کشف کنید مخفیانه کشف نکنید آیه درمورد آن قالب درک صحبت می‌کند ﴿**وَ لا تَجَسَّسُوا**﴾ نهی است نهی مولوی است نهی انشائی است دلالت بر حرمت می‌کند چون اصل بر این است که نهی دلالت بر حرمت کند، ﴿**وَ لا تَجَسَّسُوا**﴾ آن قالب و نحوه ورود را نهی می‌کند که شما در مسائل تجسس نکنید شما به صورت مخفیانه وارد مسائل نشوید. اگر چیزی را می‌خواهید به دست بیاورید مثلاً اینکه من چه کاره هستم.

خود کلمه تجسس در مورد نوع ورود است که آن حالت ظریفانه حال شما یک چیزی را ظریفانه و مخفیانه می‌خواهید به دست بیاورید چه چیزی را به دست می‌آورید؟ یک امری که مخفی است شما امر مخفی را با حالت ظریفانه به دست می‌آورید اگر ظاهر کنم که شما درک می‌کنید اما اینکه فلان سال کجا بودم و به کدام مسافرت رفتم، به دیگران هم بیان نکردم شما برای اینکه به دست بیاورید که فلان بهار کدام مسافرت می‌رفتم و به کسی هم نگفتیم شما باید به اطلاعات شخصی من مراجعه کنید

وقتی یک ورودی که مخفیانه است چه چیزی را رصد می‌کنید؟ این ورود فقهی است این جور وارد شدن ورود فقهی است شما یک مسئله مخفی را به صورت مخفیانه می‌روید و کشف می‌کنید پس به مرور معنای تجسس این شده است که درک مخفیانه امر مخفی، وقتی می‌گوید ﴿**وَ لا تَجَسَّسُوا**﴾ فقط معنای لغوی آن مد نظر نیست که شما یک مسئله‌ای را مخفیانه نروید می‌فرماید شما ورود مخفیانه و ظریفانه و غیر معمول به امور فرد نداشته باشید.

چه امری را با این روش ورود می‌کنند؟ آن امور مخفیانه مسائل مخفی افراد را به صورت ظریفانه نروید اگر اطلاعاتی را می‌خواهید از خود فرد بگیرید.

در یک جاهایی می‌گوید اشکال ندارد و می‌گوید ورود مخفیانه داشته باشید.

پس این لا تجسسوا. پس معلوم است که چگونه می‌توانید حکم را برداشت کنید اینجا اصل بر این است وقتی امر نهی می‌شود دلالت بر حرمت دارد.

اتفاقات بشری اتفاقاتی است که ۱۴۰۰ سال پیش هم بوده است حالا قالب‌ها عوض شده است شما باید کلیدواژه‌ها را پیدا بکنید.

مفهوم تجسس یک مفهوم عرفی است بعضی مفاهیم در فقه مفاهیم عرفی است مثلاً در مسئله نجسی و پاکی می‌گوید اینجا اگر من رفتم با این دقت دیدم نجس یا پاک بوده است

می‌گوییم بحث نجس یا پاکی یک مفهوم عرفی است اینجا من سجده کردم یا نه؟ عرفی است عرف بگوید سجده کردید عرف بگوید مسح سر یا پا انجام دادید.

اگر خواستید پژوهش کنید همه جا نه ولی عمده مفاهیم عرفی است شما کلیدواژه‌های یعنی واژه‌ها را بررسی مفهومی داشته باشید در لغت نامه‌ها اما شما باید به بعضی از مفاهیم که ناظر به اجتماع هستند نگاه عرفی داشته باشید.

عرف از لا تجسسوا چه می‌گوید؟ می‌گوییم تعریفی و حد مرزی که تجسس چیست را عرف مشخص می‌کند عرف می‌گوید این مسئله مخفی است مفهوم مخفی بودن یک مفهوم عرفی است این مسئله را که این آقا صحبت می‌کند معلوم می‌شود مخفی است و یک وقت خود افراد نمی‌خواهند یک چیزی را مخفی کنند در حالی که حریم شخصی آن‌هاست اینجا عرف می‌گوید این فرد این را مخفی نکرد. پس تشخیص دهنده عرف است مثلاً در موسیقی حلال و حرام بودن خیلی وقت‌ها می‌گوییم عرف ملاک است عرف متدینین این را می‌گویند امر شخصی است یا مخفی است مثلاً عکس‌های ازدواج یک امر شخصی است

شاید عکس من مرد برای مردها در مسئله داخلی خانوادگی است شاید دوست نداشته باشم دیگران ببینند حتی اگر پوشش داشته باشم و عرف این را می‌گوید و اگر به دادگاه مراجعه بکنید دادگاه می‌گوید علاوه بر اینکه خودت می‌خواستی از آن فرد حفظ کنی یا حفظ نکنی عرف چه می‌گوید؟ عرف می‌گوید این مسئله مخفی شما هست یا نیست؟

خود مفهوم لا تجسسوا می‌تواند مفهوم ملازمه را هم برساند همانطور که می‌فرماید تجسس نکنید یک حقی هم برای آن فرد درست کند و بگوید شما حقتان هست و دیگران نباید ورود کنند

اما ما در فرهنگ لیبرالیستی بحث نمی‌کنیم این ملازمه می‌فهماند که وقتی می‌گوید لا تجسسوا از آن طرف می‌گوید شما حق دارید مانع از ورود دیگران بشوید اما لا تجسسوا به این معنا نیست که شما در خفای خود هر کاری را بکنید این ملازمه را ندارد در فرهنگ لیبرالیستی حق برای خود بودن حق خلوت، یعنی در خلوت هر کاری خواستی می‌توانی بکنی، اما اینجا اگر می‌گوییم تجسس نکن، می‌تواند بگوید چرا تجسس کردی من حق دارم هر کاری که دوست دارم انجام بدهم. چه کسی گفته است هر کاری که دوست داری انجام بده، فقط می‌گوید دیگران وارد نشوند نمی‌گوید تو هر کاری که خواستی بکنی.

این ملازمه وجود ندارد آنجا در فرهنگ لیبرالیستی و آزادی به معنی الاطلاق می‌گوید اول اصل که شما دارید این است که ازاد هستید الا اینکه موارد قانونی که شما را محدود کند آنجا دایره را وسیع میکند الا اینکه قانون بدانید

این جا می‌فرماید فمن رکیه است یعنی چاله‌ای که می‌کَند آن دهانه چاله را کوچک می‌کنند فقط چیزهایی که اندازه آن دهانه باشند داخل چاه می‌رود در مفاهیم فقهی است فمن رکیه است یعنی از همان اول یک دایره محدودی را مشخص می‌کند بعد هر چیزی که وارد می‌شود با همان اندازه وارد می‌شود وقتی ما می‌گوییم تجسس نکنید این ملازمه ندارد که آن فرد در آن دایره‌ای که دیگران حق ورود ندارند هر کاری را انجام بدهد اینجور نیست.

کلید واژه‌ها را می‌گویم عزیزان روایات آن را ببینند

مجموعه روایات عورات المسلمین ببینید که حضرت می‌فرماید ﴿**لَا تَتَبَّعُوا عَوْرَاتِهِم**‏[[2]](#footnote-2)﴾ عورات به معنی چیزهایی که از مردم مخفی می‌کنند عورت می‌گویند.

البته در محوریت دوم عیب جویی مخفیانه یکی روایات عورات مسلمین را ببینید یکی هم روایات اثرات مسلمین

عنوان بعدی، استراق سمع است روایت ضعیفی است اما با همان ﴿**وَ لا تَجَسَّسُوا**﴾ هم می‌توان استدلال کنیم در بحث عرف چه زمانی ملاک است در تشخیص مفاهیم باید دید عرف زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم این کلمه را چه می‌گفتند در تشخیص مفاهیم.

اما در تشخیص موضوعات به این معنا الان من می‌خواهم بفهمم این چیز را گفته‌اند حرام است الان به آن معنا هست تشخیص موضوعی الان عرف الان ملاک است.

استراق سمع روایت ضعیفی دارد اما می‌تواند تحت عنوان اصلی باشد

عنوان چهارم ممنوعیت ورود به منازل است ﴿**يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَدْخُلُوا بُيُوتاً غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا**[[3]](#footnote-3)﴾ به آن بعد حریم شخصی فیزیکی افراد مربوط می‌شود تقریبا شبیه آن الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم

این چهار عنوان را مطالعه کنید

ممنوعیت تجسس ﴿**وَ لا تَجَسَّسُوا**﴾

عناوین ﴿**لَا تَتَبَّعُوا عَوْرَاتِ الْمُسْلِمِين**‏﴾

عنوان ﴿**لَا تَتَبَّعُوا عَثَرَاتِ الْمُسْلِمِين**‏﴾ نهی است و نهی هم دلالت بر حرمت دارد.

عنوان استقراق سمع که ﴿**وَ لا تَجَسَّسُوا**﴾ می‌تواند دلیل آن باشد اما یک روایت هم دارد اما این روایت از نظر سندی ضعیف است.

ممنوعیت ورود بدون استیذان به خانه کسی که قرآن کریم می‌فرماید ﴿**يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَدْخُلُوا بُيُوتاً غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا**﴾

این چهار عنوان یک عنوان حرمت ورود به حریم افراد را اثبات می‌کند

با مفهوم‌شناسی حریم شخصی که مسئله انسانی است حالا می‌خواهد در غرب باشد یا در شرق باشد می‌گوید این سؤال من است می‌خواهد در شرق اتفاق افتاده باشد یا در غرب، بله در غرب تعریف خود را دارد اما یک مسئله است و این مسئله را در فقه و عناوین شرعی داریم

این چهار عنوان یک عنوان کلی حرمت ورود به حریم افراد را اثبات می‌کند.

خیلی از عنوان جدید را اینجوری به دست می‌آوریم که درون دین به چه معنا می‌شود.

1. - سوره حجرات، آیه 12 [↑](#footnote-ref-1)
2. - الکافی، ج 2، ص 354 [↑](#footnote-ref-2)
3. - سوره نور، آیه 27 [↑](#footnote-ref-3)